

نہایت

فهرست

۲.....	غیب جویی و غیب گویی.....
۲.....	تعریف غیبت.....
۴.....	انکیزه های غیبت.....
۵.....	آثار غیبت.....
۱۳.....	شنیدن غیبت.....
۱۵.....	غیبت شونده.....
۱۵.....	توبه از غیبت.....
۱۹.....	موارد جواز غیبت.....

عیب جویی و عیب گویی

کمی از غیبت هم سخنی یاه و باطل است.^۱ و ستم در حق غیبت شونده خواهد بود.^۲ غیبت کننده سگی است که آبروی برادر غائبش را می درد^۳ و گوشت خورده شده^۴ او را در معده شنونده غیبت، بالا می آورد.^۵ حرمت غیبت اختصاص به غیبت از زندگان ندارد بلکه مردگان را نیز شامل می شود.^۶ شایسته است خوبیهای مردگان گفته شود^۷ و جز آن چیزی درباره آنان گفته نشود.^۸ حتی اولیاء خداوند از بدگویی نسبت به سگی متعفن هم پرهیز می کردند.^۹ و اگر این چنین لغزشی از آنها سر می زد، سالها برای این خطا می گریستند.^{۱۰}

تعریف غیبت

آنچه مردم به عنوان عیب از یکدیگر یاد می کنند دو قسم است: قسم اول عیبی است که از نظر خداوند و عقلاء عیب نیست. بازگو نمودن این نقص با نیت معیوب نشان دادن فرد، حرام است.^{۱۱} خصوصاً اگر وقتی غیبت شونده بشنود ناراحت شود.^{۱۲} مثل این که گفته شود:

^۱ قال علی علیه السلام یَسِیرُ الْعِیْبَةِ إِفْکٌ. «اندک غیبت بهتان و سخن باطل است.» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)
^۲ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ ظَلَمَ أَحَدًا فَعَابَهُ فَلْيَسْتَعْفِرِ اللَّهَ كَمَا ذَكَرَهُ فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لَهُ. «هر کس بواسطه عیب گویی از دیگری به او ستم روا داشته است پس باید از خداوند متعال برای او طلب مغفرت نماید همانگونه که در رابطه با او عیب گویی کرده است چرا که این کفاره برای آن عیب گویی است.» (الجعفریات (الأشعثیات)، ص: ۲۲۸)

^۳ قَالَ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ حَضَرَ مَجْلِسًا وَقَدْ حَضَرَ فِيهِ كَلْبٌ - يَفْتَرِسُ عِرْضَ أَخِيهِ الْعَائِبِ وَاتَّسَعَ جَاهُهُ فَاسْتَحَفَّ بِهِ، وَرَدَّ عَلَيْهِ، وَذَبَّ عَنْ عِرْضِ أَخِيهِ الْعَائِبِ، قَيْضَ اللَّهِ الْمَلَائِكَةِ الْمُجْتَمِعِينَ عِنْدَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ لِحَجَّتِهِمْ، وَهُمْ شَطْرُ مَلَائِكَةِ السَّمَاوَاتِ، وَ مَلَائِكَةِ الْكُرْسِيِّ وَالْعَرْشِ وَ مَلَائِكَةِ الْحُجْبِ، فَأَحْسَنَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى مُحَضَّرَةً، يَمْدُحُونَهُ وَيُقْرَبُونَهُ وَيَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى لَهُ - الرَّفْعَةَ وَالْجَلَالََةَ. «هر کس که آبرو و نفوذی داشته باشد و در مجلسی حضور داشته باشد که در آن سگی آبروی برادر ایمانی را می درد پس آن سگ را خوار کند و پاسخ او را بدهد و از آبروی برادرش دفاع کند، خداوند مأمور میکند فرشتگانی را در بیت المعمور مشغول حج شان هستند که بنیکویی در محضرش این شخص را بستانند و سب قُربش شوند و از خداوند برای او بلندی مرتبه و شکوهش را بخواهند. اینان قسمتی از فرشتگان آسمانها و کرسی و عرش هستند و نیز فرشتگان حُجْب (پرده های جلال و جمال خداوند) می باشند.» (التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص: ۸۲)

^۴ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا يُجِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ. «ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است!» (حجرات: ۱۲)
^۵ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى رَجُلٍ يَغْتَابُ رَجُلًا عِنْدَ الْحَسَنِ ابْنِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا بَنِي نَزَّهُ سَمْعَكَ عَنْ مِثْلِ هَذَا فَإِنَّهُ نَظَرَ إِلَى أَحَبِّ مَا فِي وَعَائِهِ فَأَفْرَعَهُ فِي وَعَائِكَ. امیر مؤمنان علیه السلام مردی را دید که نزد پسرش امام حسن علیه السلام از مردی غیبت می کند. پس فرمود: «پسر جانم گوشت را از این سخن پاک دار که او بدترین چیزی را که در ظرف دارد بنظر آورده و آن را در دل تو می ریزد.» (الإختصاص، ص: ۲۲۵)

^۶ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَذْكُرِ الْمَوْتَى بِسَوْءٍ فَكَفَى بِذَلِكَ إِثْمًا. «مردگان را به بدی یاد نکن زیرا همین کار برای گنکاری بس است.» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)

^۷ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اذْكُرُوا مَحَاسِنَ مَوْتَاكُمْ. «خوبیهای مردگان را باز گوید.» (مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۰، ص: ۴۲۹)
^۸ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَقُولُوا فِي مَوْتَاكُمْ إِلَّا خَيْرًا. «در رابطه با مردگانتان جز نیکی نگویید.» (مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۰، ص: ۴۲۹)

^۹ رَوَى أَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ وَ الْحَوَارِيُّونَ عَلَى جِيفَةِ كَلْبٍ فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ مَا أَنْتَنَ رِيحَ هَذَا الْكَلْبِ فَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَشَدَّ بَيَاضَ أَسْنَانِهِ كَأَنَّهُ نَهَاهُمْ عَنْ غِيبَةِ الْكَلْبِ. حضرت عیسی علیه السلام - در حالی که حواریون به همراه او بودند- بر مردار سگی گذر کردند. حواریون گفتند: «چقدر این سگ بدبو است!» عیسی علیه السلام فرمود: «چقدر دندانهایش سفید است!» گویا آنان را از غیبت آن سگ نهی کرد. مجموعه ورام، ج ۱، ص: ۱۱۷

^{۱۰} رَوَى أَنَّ نُوْحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ عَلَى كَلْبٍ أَجْرَبَ فَقَالَ: مَا هَذَا الْكَلْبِ؟ فَتَطَّقَ الْكَلْبُ وَ قَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ هَكَذَا خَلَقَنِي رَبِّي فَانْ قَدْرَتِ أَنْ تَغَيِّرَ صَوْرَتِي بِأَحْسَنَ مِنْ هَذِهِ الصَّوْرَةِ فَافْعَلْ، فَنَدِمَ نُوْحٌ عَلَى مَا قَالَ وَ بَكَى أَرْبَعِينَ سَنَةً فَسَمَّاهُ اللَّهُ نُوْحًا وَ كَانَ اسْمُهُ عَبْدَ الْمَلِكِ أَوْ عَبْدَ الْجَبَّارِ. روایت شده است که حضرت نوح بر سگی که بیماری پوستی جرب را گرفته بود گذشت و (با تحقیر) گفت: «چیست این سگ؟!» سگ (به زبان آمده و) گفت: «ای پیامبر خدا پروردگارم من را آفریده است! اگر می توانی صورت را نیکوتر از این بیافرینی پس این کار بکن!» نوح پشیمان شد و چهل سال گریست لذا خداوند نامش را نوح گذاشت! اسم ایشان عبد الملک یا عبد الجبار بود. (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)، ج ۸، ص: ۳۸۹)

- «او کوتوله است.»^{۱۳}
 - «او دامنش بلند است. (با بلند گذاشتن پایین لباسش فخر فروشی می کند).»^{۱۴}
 - «چقدر او ناتوان است!»^{۱۵}
 - در رابطه با کسی که حد زنا بر او جاری شده است گفته شود: «مثل سگ جان داد.»^{۱۶}
- قسم دوم عیبی است که از نظر خداوند مذموم است. گفتن این عیب در صورتی که قصد اصلاح باشد، نه تحقیر کار پسندیده ای است.^{۱۷} ولی اگر قصد اصلاح نباشد و مردم هم از آن عیب مطلع نباشند گفتنش حرام است.^{۱۸}
- و نیز ممکن است نام و یا فامیل کسی، بیانگر عیبی در او باشد، اگر نیت تحقیر در ذکر آن نام نباشد، از موضوع غیبت خارج است.^{۱۹}

^{۱۱} قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْغَيْبَةُ حَرَامٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ مَأْثُومٌ صَاحِبِهَا فِي كُلِّ حَالٍ وَ صِفَةُ الْغَيْبَةِ أَنْ تَذُكَّرَ أَحَدًا بِمَا لَيْسَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ غَيْبٌ أَوْ تَذَمُّ مَا تَحْمَدُهُ أَهْلُ الْعِلْمِ فِيهِ. «غیبت حرام است بر هر مسلمانی، و شخص غیبت کننده در هر حالی باشد گناهکار است. و حقیقت غیبت آنست که کسی را یاد کنی با یک صفت و عملی که در نظر تو نامطلوب است، ولی نزد خداوند متعال عیب و اشکالی ندارد، و اهل علم و معرفت هم آن را ناپسند و قبیح نمی شمارند.» (مصباح الشریعة، ص: ۲۰۴)

^{۱۲} قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هَلْ تَذُرُونَ مَا الْغَيْبَةُ [فَقَالُوا] قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ قِيلَ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ قَالَ إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَبْتَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهْتَهُ. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آیا می دانید که غیبت چیست؟» عرض کردند: «خدا و پیامبرش دانانترند.» فرمود: «یاد کردن تو برادرت را به چیزی که او نمی پسندد.» گفتند: «اگر در برادر مسلمانم آنچه می گویم وجود داشت، چه می فرمایید؟» فرمود: «اگر آنچه گفتید در او باشد، غیبت کرده اید، و اگر نباشد تهمت زده اید!» کشف الریبة، ص: ۵

^{۱۳} قَالَتْ عَائِشَةُ دَخَلَتْ عَلَيْنَا امْرَأَةٌ فَلَمَّا وَلَّتْ أَوْمَأَتْ بِيَدِي أَنَّهَا قَصِيرَةٌ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَدْ اغْتَبْتَهَا وَ نَهَانِي عَنْ مِثْلِ ذَلِكَ. عایشه می گوید: زنی بر ما وارد شد، و هنگامی که داشت می رفت، با دستم اشاره کردم که او کوتاه اندام است، پیامبر فرمود: «غیبتش را کردی!» و مرا از چنان کاری نهی کرد. (مجموعه ورام، ج ۱، ص: ۱۱۸)

^{۱۴} رَوَى عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ إِنِّي قُلْتُ لِمَرْأَةٍ وَ أَنَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنْ هَذِهِ لَطَوِيلَةُ الذَّلِيلِ فَقَالَ الْفُطَيْيُ الْفُطَيْيُ فَلَفَطْتُ بَضْعَةً مِنْ لَحْمٍ. عایشه گفت: من در حضور پیامبر خدا بودم، به زنی گفتم: «این زن، پایین لباسش بلند است.» پیامبر فرمود: «برگردان از دهن، برگردان!» و من پاره گوشتی از دهنم استفراغ کردم. (مجموعه ورام، ج ۱، ص: ۱۱۸)

^{۱۵} ذَكَرَ عِنْدَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ فَقَالُوا مَا أَعْجَزَهُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اغْتَبْتُمْ صَاحِبَكُمْ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ قُلْنَا مَا فِيهِ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنْ قُلْتُمْ مَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهْتُمُوهُ. نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از مردی سخن به میان آمد. حاضرین در مجلس گفتند: «عجب ناتوان است!» حضرت فرمود: «از رفیقان غیبت نمودید!» گفتند: «ای رسول خدا! چیزی را که در او بود گفتیم!» حضرت فرمود: «اگر چیزی را که در او نبود می گفتید که به او تهمت زده بودید!» (کشف الریبة، ص: ۵)

^{۱۶} لَمَّا رَجَمَ رَسُولُ اللَّهِ الرَّجُلَ فِي الزَّوَاءِ قَالَ رَجُلٌ لِصَاحِبِهِ هَذَا أَفْعَصَ كَمَا يَفْعَصُ الْكَلْبُ فَمَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَعَهُمَا بِجِيفَةٍ فَقَالَ أَنَهَشَا مِنْهَا فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ نَهَشَ مِنْ جِيفَةٍ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا أَصَبْتُمَا مِنْ أَخِيكُمَا أَنْتَنَ مِنْ هَذِهِ. وقتی که پیامبر مرد زناکاری را سنگسار کرد، مردی به رفیقش گفت: این مرگ فوری بود مثل مردن سگ که زود می میرد، پیامبر - که آن دو مرد هم همراهش بودند - به مرداری رسید، فرمود: «از این مردار با دندانهایتان بجوید.» عرض کردند: «یا رسول الله! ما مردار را دندان بزنیم؟» حضرت فرمود: «آنچه شما نسبت به برادر مسلمانان مرتکب شدید، بدبوتر از این بود!» (کشف الریبة، ص: ۹)

^{۱۷} قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ . . . أَمَّا الْخَوْضُ فِي ذِكْرِ الْعَائِبِ بِمَا هُوَ عِنْدَ اللَّهِ مَذْمُومٌ وَ صَاحِبُهُ فِيهِ مَلُومٌ فَلَيْسَ بِغَيْبَةٍ وَ إِنْ كَرِهَ صَاحِبُهُ إِذَا سَمِعَ بِهِ وَ كُنْتَ أَنْتَ مُعَافَى عَنْهُ وَ خَالِيًا مِنْهُ وَ يَكُونُ فِي ذَلِكَ مُمِينًا لِلْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ بَيَانِ اللَّهِ تَعَالَى وَ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ لَكِنْ عَلَى شَرْطٍ أَنْ لَا يَكُونَ لِلْقَائِلِ بِذَلِكَ مُرَادٌ غَيْرَ بَيَانِ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ فِي دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا إِذَا أَرَادَ بِهِ نَقْصَ الْمَذْكُورِ بِغَيْرِ ذَلِكَ الْمَعْنَى فَهُوَ مَا خُوذَ بِفَسَادِ مُرَادِهِ وَ إِنْ كَانَ صَوَابًا. و اما یاد کردن کسی به یک عملی که نزد خداوند متعال ناپسند و بد باشد، و شخص عامل هم نزد اهل معرفت در مورد ملامت و توبیخ قرار گیرد؛ پس آن غیبت نیست، اگر چه آن شخص هم خوش نداشته باشد. و در این مورد شرط است که گوینده از آن عمل دور و بر کنار بوده، و نظری به جز حقیقت و جدا کردن حق از باطل از نظر قول خدا و رسول او نداشته، و هیچ گونه غرض و مقصود دیگری در قلب او نباشد. و در موردی که غیبت جایز بود، شرط می شود که گوینده غرض شخصی اهانت و تنزل دادن مقام طرف نداشته باشد، و اگر نه به عنوان دیگر که سوء قصد و نیت اهانت و ضرر آبرویی باشد، گوینده مؤاخذه خواهد شد، اگر چه طرف در واقع مستحق این سخن بوده و در حق او واقعیت داشته باشد. (مصباح الشریعة، ص: ۲۰۴)

^{۱۸} قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا عَرَفَهُ النَّاسُ لَمْ يَغْتَبْهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ اغْتَابَهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهْتَهُ. «هر که پشت سر مردی چیزی را گوید که در اوست و مردم میدانند که آن چیز در اوست غیبت او را نکرده، و هر که پشت سر کسی چیزی را گوید که در اوست ولی مردم نمی دانند غیبتش کرده، و هر که پشت سر کسی چیزی گوید که در او نیست باو بهتان زنده است.» (الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۵۸)

^{۱۹} عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ أَبِي عَبَّادٍ عَنْ عَمِّهِ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا يُنْشِدُ شِعْرًا فَقُلْتُ لِمَنْ هَذَا أَعَزَّ اللَّهُ الْأَمِيرَ فَقَالَ لِعِرَاقِي لَكُمْ قُلْتُ أَنْشَدْتَنِيهِ أَبُو الْعَتَاهِيَةَ لِنَفْسِهِ فَقَالَ هَاتِ اسْمَهُ وَ دَعِ عُنْكَ هَذَا إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى يَقُولُ وَ لَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ (الحجرات: ۱) وَ لَعَلَّ الرَّجُلَ يَكْرَهُ هَذَا. راوی گوید: روزی از امام علی بن موسی علیه السلام شنیدم که این اشعار را می خواندند، با اینکه ایشان بسیار کم شعر میخواندند ... به آن حضرت عرض کردم: «خداوند وجود امیر را عزیز بدارد، این اشعار از کیست؟» حضرت فرمود: «برای شخصی عراقی است.» عرض کردم:

انگیزه های غیبت

به فرموده امام صادق علیه السلام غیبت ده انگیزه می تواند داشته باشد:

- ۱) بخاطر تسکین خشم.
 - ۲) بخاطر همراهی با جمع.
 - ۳) بخاطر تهمت زدن (عیبی را می گوید تا بعد بتواند آن را دلیل بر تهمتش قرار دهد).
 - ۴) بخاطر تأیید خبری که شنیده است بی آن که آن خبر مورد تحقیق قرار دهد.
 - ۵) بخاطر مستند نمودن سوء ظنی که از او پیدا کرده است.
 - ۶) بخاطر حسادت که به او دارد.
 - ۷) بخاطر تمسخر و خندانیدن دیگری.
 - ۸) بخاطر اظهار تعجب از کار زشت دیگری.
 - ۹) بخاطر اظهار اندوه (از کار زشت دیگری و وقتی دیگران علت اندوهش را می پرسند او غیبت دیگری را می کند).
 - ۱۰) برای زینت دادن کلام (و شاهد مثال آوردن).^{۲۰} پیامبر اسلام وقتی می خواستند شاهدهی برای گفتار خود بیاورند بدون این که نام کسی را ببرند می فرمودند: «چرا بعضی این چنین و آنچنان می کنند؟!»^{۲۱}
- انگیزه های دیگر غیبت:
- ۱۱) بخاطر کسب آبرو! انگاری با آبروی غیبت شونده، ربا خواری می کند.^{۲۲}
 - ۱۲) بخاطر این که می خواهد به نان و نوایی (از طرف شنونده غیبت) برسد.^{۲۳}
 - ۱۳) و نیز غیبت نشان از شخصیتی ضعیف غیبت کننده دارد^{۲۴} خصوصاً اگر در غیبت‌هایی که بدون هیچ گونه دشمنی با غیبت شونده اتفاق می افتد^{۲۵} و بیشتر از سر عادت است^{۲۶} :
- از مروت و مردانگی (و صفات ارزشمند انسانی) تهی است.^{۲۷}

«ابو العتاهیه این اشعار را مناسب حال خود سروده است.» فرمود: «وی را به نامش بخوان، و این طرز سخن را واگذار! قرآن می فرماید: "مردم را به لقب بدشان نخوانید!" چرا که شاید او این لقب را ناخوش داشته باشد.» (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۷۷)

توضیح: «العتاهیه» مصدر است و معنی آن گمراهی و بی‌خردی است، و ابو العتاهیه شاعر، نامش اسماعیل بن قاسم است و کنیه‌اش ابو اسحاق، و او را مهدی عتاسی ابو العتاهیه لقب داد، و ماجرائی میان او و عتبه کنیز مهدی رخ داد و مهدی گفت، «اراک مختلطاً متعتها» تو را مجنون و یاهو سرا می‌بینم، از آن زمان وی را ابو العتاهیه لقب دادند.

^{۲۰} قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَصْلَ الْغَيْبَةِ مُتَنَوِّعٌ بِعَشْرَةِ أَنْوَاعٍ شِفَاءِ غَيْظٍ وَ مَسَاعِدَةِ قَوْمٍ وَ تَهْمَةٍ وَ تَصْدِيقِ خَبَرٍ بَلَا كَشْفِهِ وَ سُوءِ ظَنٍّ وَ حَسَدٍ وَ سُخْرِيَةٍ وَ تَعَجُّبٍ وَ تَبَرُّمٍ وَ تَزْيِينٍ. «منشأ و ریشه غیبت بر ده نوع بود: روی خشم و غیظی که دارد و می‌خواهد با غیبت جوش خود را تسکین بدهد. به خاطر مساعدت و خیر خواهی و یا منافرت و بد خواهی به قومی تحریک برای غیبت می‌شود. برای اینکه کسی را متهم کند شروع به غیبت می‌کند. چون می‌خواهد سخنی را بدون تحقیق و بررسی تصدیق کند؛ قهراً لازم می‌شود که برای اثبات آن سخن غیبت کند. چون نسبت به کسی سوء ظن پیدا کرده است: غیبت را تجویز می‌کند. چون حسد می‌ورزد مجبور می‌شود به غیبت کردن. برای اینکه استهزاء و مسخره کند غیبت می‌کند. تعجب کردن او موجب غیبت می‌شود. به خاطر انزجار و ملالتی که دارد غیبت می‌کند. برای زینت دادن کلام و جالب بودن آن غیبت می‌کند.» (مصباح الشریعة، ص: ۲۰۴)

^{۲۱} كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَرِهَ مِنْ إِنْسَانٍ شَيْئًا قَالَ: مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَفْعَلُونَ كَذَا وَ كَذَا، وَ لَا يُعَيِّنُ. رسول خدا چیزی را از کسی ناخوشایند میدانست می‌فرمود:

«چرا مردمی چنین و چنان کنند.» کسی را بنام معین نمی‌کرد. کشف الریبه، ص: ۱۵

^{۲۲} قَالَ أَنَسٌ خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرَ الرَّبَا وَ عَظَّمَ شَأْنَهُ فَقَالَ إِنَّ الدَّرْهَمَ يُصِيبُهُ الرَّجُلُ مِنَ الرَّبَا أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ فِي الْخَطِيئَةِ مِنْ سِتِّ وَ ثَلَاثِينَ زَيْنَةً يَزِينُهَا الرَّجُلُ وَ أَرَبِي الرَّبَا عَرَضُ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ. انس گوید: رسول خدا برای ما خطبه خواند و نام ربا را برد و آن را بزرگ شمرد و فرمود: «یک درهم که کسی از ربا بدست آرد نزد خدا خطائی است بزرگتر از سی و شش زنا که انجام دهد و رباترین ربا آبروی مسلمانست.» (مجموعه ورام، ج ۱، ص: ۱۱۶)

^{۲۳} قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَكَلَ بِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ أَوْ شَرِبَ أَوْ لَبَسَ بِهِ ثَوْبًا أَطْعَمَهُ اللَّهُ بِهَا أَكْلَةً مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ وَ سَقَاهُ سَقِيَةً مِنْ حَمِيمِ جَهَنَّمَ وَ كَسَاهُ ثَوْبًا مِنْ سَرَابِيلِ جَهَنَّمَ وَ مَنْ قَامَ بِأَخِيهِ. «هر کس بوسیله بدگویی از برادر مؤمنش غذایی بخورد یا نوشیدنی بنوشد یا لباسی را بپوشد خداوند متعال بواسطه این عمل، به او از آتش جهنم می‌خوراند و از نوشیدنی جهنم به او می‌نوشاند و از شلوارهای دوزخی به او می‌پوشاند.» (الإختصاص، ص: ۲۲۷)

^{۲۴} قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ. «غیبت نهایت تلاش ناتوان است.» (تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)

^{۲۵} قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ اغْتَابَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ غَيْرِ تَرَةٍ بَيْنَهُمَا فَهُوَ شَرِكُ شَيْطَانٍ. «کسی که از برادر مؤمنش بدون وجود عداوتی میان

آن دو غیبت کند، او فرزند شیطانست.» (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۴۱۷)

^{۲۶} قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تُعَوِّذُ نَفْسَكَ الْغَيْبَةَ فَإِنَّ مُعْتَادَهَا عَظِيمُ الْجُرْمِ. «نفست را غیبت عادت مده زیرا معتاد به غیبت دارای جرم بزرگی است.» (تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)

- لئیم و پست است. ۲۸ و حتی تا جایی پیش می رود که پست ترین انسان می شود. ۲۹
- نفاق دارد. ۳۰ دورو است و از دو زبان برخوردار است: وقتی مقابل فرد است بگونه ای سخن می گوید و ولی در غیابش بگونه ای دیگر صحبت می کند. ۳۱
- نشان از حلال زاده نبودن فرد دارد. ۳۲ .

آثار غیبت

غیبت دارای آثار مخربی است:

- ۱) بدنبال عیب دیگری بودن، انسان را از شناخت و رفع عیوب خود غافل می سازد. ۳۳
 - ۲) غیبت سبب می شود تا دیگران نیز از انسان غیبت کنند و این گونه در چاهی که برای دیگران کنده است، سقوط کند. ۳۴
- زیرا بدنبال عیب دیگران بودن، سبب می شود دیگران نیز به بدنبال عیوب انسان باشند. و اگر هم نتوانند عیبی را ببینند، عیب نداشتن را به انسان نسبت می دهند. ۳۵
- خداوند نیز آنها را یاری می کند. طوری که اگر غیبت کننده، کمتر با دیگران ارتباط داشته و در بیشتر خانه خود باشد باز رسوا خواهد شد. ۳۶ هر چند رسوایی روز قیامت که در انتظار غیبت کننده است بسیار بدتر است. ۳۷
- بایسته است که انسان با ترک غیبت و بدگویی پشت سر دیگران نه تنها بهانه به دست دیگران برای رسوایی خود ندهد. ۳۸ بلکه باعث شود تا در

۲۷ قال علی علیه السلام لَأُمرُوءَةٌ لِمُعْتَابٍ. «برای غیبت کننده جوانمردی وجود ندارد.» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۷۲)

۲۸ قال علی علیه السلام مِنْ أَفْبَحِ اللُّؤْمِ غَيْبَةُ الْأَخْيَارِ. «از زشت ترین پستی ها، غیبت نمودن خوبان است!» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)

۲۹ قال علی علیه السلام أَلَامُ النَّاسِ الْمُعْتَابُ. «پست ترین مردم غیبت کننده است.» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)

۳۰ قال علی علیه السلام الْغَيْبَةُ آيَةُ الْمُنَافِقِ. «غیبت نشانه منافق است.» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)

۳۱ قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ كَانَ ذُو وَجْهَيْنِ وَ لِسَانَيْنِ فِي الدُّنْيَا، فَهُوَ ذُو لِسَانَيْنِ فِي النَّارِ. «ای ابا ذرا! هر که در دنیا دو زبان و دو رو (منافق) باشد در جهنم نیز دو زبانه باشد.» (الأمالی (للطوسی)، ص: ۵۳۷)

۳۲ قال صلی الله علیه وآله وسلم كَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وُلِدَ مِنْ حَلَالٍ وَ هُوَ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ بِالْغَيْبَةِ اجْتَبُوا الْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامٌ كِلَابِ النَّارِ. بیاورند یکی را روز قیامت و بدارند او را پیش خدای تعالی و بدهد او را کتاب او پس نه ببند هیچ حسنه خود را پس گوید: «خداوند این نیست کتاب من نمی بینم در این طاعت خود را» پس گویند که: «پروردگار تو اشتباه نمی کند و فراموش نمی کند رفت عمل تو بسبب غیبت مردمان!» بعد از آن بیاورند دیگری را و بدهند بوی کتاب او را پس ببند در آن طاعتها بسیار پس عرض کند: «خداوند این نیست این کتاب من از برای آنکه نکردم من این طاعتها را» پس گویند او را که: «فلان غیبت کرد تو را پس داده شد حسنات او بتو.» (جامع الأخبار (لشعیری)، ص: ۱۴۷)

۳۳ قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ تَحْتَ ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَحَبَّ لِأَخِيهِ مَا أَحَبَّ لِنَفْسِهِ وَ رَجُلٌ بَلَغَهُ أَمْرٌ فَلَمْ يَتَقَدَّمْ فِيهِ وَ لَمْ يَتَأَخَّرْ حَتَّى يَعْلَمَ أَنْ ذَلِكَ الْأَمْرُ لِلَّهِ رِضًا أَوْ سَخَطًا وَ رَجُلٌ لَمْ يَعِْبْ أَحَاةً بِعَيْبٍ حَتَّى يَصْلِحَ ذَلِكَ الْعَيْبُ مِنْ نَفْسِهِ فَإِنَّهُ كَلَّمَا أَصْلَحَ مِنْ نَفْسِهِ عَيْبًا بَدَأَ لَهُ مِنْهَا آخِرٌ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ فِي نَفْسِهِ شَعْلًا. «ای علی، سه کس روز رستاخیز به زیر سایه عرش در آیند: مردی که آنچه برای خود می خواهد برای برادرش نیز بخواهد، و مردی که به کاری برخورد ولی گامی پس و پیش نهد مگر آنکه بداند در آن کار خرسندی یا ناخرسندی خدا نهفته است، و مردی که بر برادر خود عیبی نگیرد مگر آنکه آن را در خود اصلاح کرده باشد زیرا هر عیب خود را اصلاح کند عیبی دیگر بر او فاش شود، و مرد را همان بس که به خود پردازد.» (تحف العقول، ص: ۹)

۳۴ قال عیسی علیه السلام قَالَ لَا تَغْتَبْ فَتُغْتَبَ وَ لَا تَحْفِرْ لِأَخِيكَ حَفْرَةً فَتَقَعَّ فِيهَا فَإِنَّكَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ. «غیبت نکن تا غیبت شوی، و برای برادرت چاه مکن که خودت در آن افتی، زیرا تو هر طور کنی با تو همان شود.» (مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص: ۱۷۴)

۳۵ قَالَ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ رَمَى النَّاسَ بِمَا فِيهِمْ، رَمَوْهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْ دَاءَهُ أَفْسَدَهُ دَوَائِهِ. «هر کس عیبی که در مردم وجود دارد را بازگو کند درباره او مطالبی می گویند که در او وجود ندارد.» (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص: ۹۱)

۳۶ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يَصِلِ الْإِيمَانُ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا تَدْمُوا الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَاتِهِ وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَاتِهِ فَضَحَّهَ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ. «ای کسانی که به زبان ایمان آورده و هنوز ایمان بدلهای شما راه پیدا نکرده، از عیوب مؤمنین پی جوئی نکنید، و بدگویی مسلمانان ننمائید، که هر کس از مؤمنین عیبجویی کند خداوند از عیوب او پی جوئی نماید، و هر کس که خدا از عیوبش پی جوئی نماید او را در اندرون خانه اش رسوا سازد (یعنی هر چند که کار زشت را پنهان انجام دهد). (الأمالی (للمفید)، ص: ۱۴۱)

۳۷ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ مَشَى فِي غَيْبَةِ أَخِيهِ وَ كَشَفَ عَوْرَتَهُ كَانَتْ أَوَّلُ حُطُوءِ خَطَايَا وَضَعَهَا فِي جَهَنَّمَ وَ كَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ وَ مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا بَطَلَ صَوْمُهُ وَ نَقَضَ وَصُوءَهُ فَإِنْ مَاتَ وَ هُوَ مُسْتَحِلٌّ لِمَا حَرَّمَ اللَّهُ. «کسی که در طریق غیبت برادر مسلمانش و کشف عیوب پنهانی او گام بردارد، اولین گامی را که برمی دارد در جهنم می گذارد! و خداوند پنهانی های او را جلوی چشم مردمان آشکار می کند. و هر کس غیبت مسلمانی را بکند روزه اش باطل می شود و وضویش بهم می خورد لذا اگر با همین حالت (بدون توبه) بمیرد مرده است در حالی که حلال خداوند را حلال شمرده است!» (کشف الريبية، ص: ۹)

یران پشت سر، بهترینها را برایش بگویند.^{۳۹}

۳) غیبت، دین انسان را به سرعت فاسد می کند در نتیجه:

- اجر کارهای خوب انسان از بین می رود.^{۴۰} و آن را منتقل به پرونده غیبت شونده می می سازد.^{۴۱} و گناهی که از دیگری علنی نموده است، در پرونده خود او نیز ثبت می گردد.
- رشد معنوی متوقف می شود.^{۴۲} طوری که تا چهل روز مانع قبولی نماز و روزه انسان می شود. مگر این که در این مدت غیبت شونده برای او طلب مغفرت کند.^{۴۴} بخصوص غیبت در ماه مبارک رمضان، مانع قبولی روزه در این ماه می شود.^{۴۵}
- حتی گفته شده است که وضویش را دوباره بگیرد.^{۴۶} و روزه اش را (استحباباً) قضا کند.^{۴۷}
- دوست خواهد داشت که تا زشتیها اشاعه پیدا کند.^{۴۸}
- ۴) غیبت انسان را از چشم دیگران می اندازد.^{۴۹} و موجب خشم^{۵۰} و طعن و مذمت دیگران می شود.^{۵۱}

^{۳۸} قال علی علیه السلام إِيَّاكَ أَنْ تَجْعَلَ مَرْكَبَكَ لِسَانَكَ فِي غَيْبَةِ إِخْوَانِكَ أَوْ تَقُولَ مَا يَصِيرُ عَلَيْكَ حُجَّةً وَ فِي الْإِسَاءَةِ إِلَيْكَ عَلَةً. «بپرهیز از این که زبانت را مرکب خود قرار بدهی در غیبت کردن از برادرانت یا چیزی بگویی که بوسیله آن تو را محکوم نمایند و موجب شود تا به تو بدی کنند.» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)

^{۳۹} قال الصادق علیه السلام وَ أَذْكَرُ أَحَاكَ إِذَا تَغَيَّبَ بِأَحْسَنِ مَا تُحِبُّ أَنْ يَذْكَرَكَ بِهِ إِذَا تَغَيَّبْتَ عَنْهُ. «زمانی که برادرت غایب می شود او را یاد کن بهتر از آنچه که دوست داری وقتی تو از نزد او غایب می شوی دربارهت بگوید.» (تحف العقول، ص: ۳۷۹)

^{۴۰} قال علی علیه السلام إِيَّاكَ وَ الْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا تَمْتَكِتُ إِلَى اللَّهِ وَ النَّاسِ وَ تُحِطُّ أَجْرَكَ. «از غیبت کردن پرهیز کن زیرا این کار سبب خشم خداوند و مردم می شود و اجرت را از بین می برد.» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)

^{۴۱} عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ بُؤْتِي بِأَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُوقَفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ يُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَلَا يَرَى حَسَنَاتِهِ فَيَقُولُ إِلَهِي لَيْسَ هَذَا كِتَابِي فَأِنِّي لَا أَرَى فِيهَا طَاعَتِي فَيُقَالُ إِنَّ رَبَّكَ لَا يَضِلُّ وَ لَا يَنْسِي ذَهَبَ عَمَلِكَ بِأَعْتِيَابِ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْتِي بِآخِرٍ وَ يُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَيَرَى فِيهِ طَاعَاتٍ كَثِيرَةً فَيَقُولُ إِلَهِي مَا هَذَا كِتَابِي فَأِنِّي مَا عَمِلْتُ هَذِهِ الطَّاعَاتِ فَيَقُولُ إِنَّ فُلَانًا اغْتَابَكَ فَدَفَعَتْ حَسَنَاتُهُ إِلَيْكَ. بیاورند یکی را روز قیامت و بدارند او را پیش خدای تعالی و بدهد او را کتاب او پس نه ببند هیچ حسنه خود را پس گوید: «خداوند این نیست کتاب من نمی بینم در این طاعت خود را» پس گویند که: «پروردگار تو اشتباه نمیکند و فراموش نمیکند رفت عمل تو بسبب غیبت مردمان!» بعد از آن بیاورند دیگری را و بدهند بوی کتاب او را پس ببند در آن طاعتها بسیار پس عرض کند: «خداوند این نیست این کتاب من از برای آنکه نکردم من این طاعتها را» پس گویند او را که: «فلان غیبت کرد تو را پس داده شد حسنات او بتو.» (جامع الأخبار (لشعیری)، ص: ۱۴۷)

^{۴۲} قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَدَاعَ فَاَحِشَّةَ كَانَتْ كَمُبْتَدئِهَا وَ مَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ. «هر که کار زشتی را فاش کند چون کسی است که آن را انجام داده، و هر که مؤمنی را بچیزی سرزنش کند نمیرد تا مرتکب آن شود.» (الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۵۶)

^{۴۳} قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ قَالَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ أَنْتَظَرُ الصَّلَاةَ عِبَادَةً مَا لَمْ يُحْدِثْ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا يُحْدِثُ قَالَ الْاِغْتِيَابُ. «غیبت در (نابودی) دین مرد مسلمان زودتر کارگر شود از بیماری خوره در درون او.» و نیز فرمود: «نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است تا حدیثی از او سرزنسد.» عرض شد: «ای رسول خدا حدیث چیست؟» فرمود: «غیبت کردن است.» (الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۵۶)

^{۴۴} قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاتَهُ وَ لَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا أَنْ يُغْفَرَ لَهُ صَاحِبُهُ. «هر که غیبت کند مرد مسلمانی را یا زن مسلمانی را قبول نکند خدای تعالی نماز او را و روزه او را چهل روز و شب مگر آنکه حلال کند او را صاحب آن غیبت.» (جامع الأخبار (لشعیری)، ص: ۱۴۶)

^{۴۵} قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُؤَجَّرْ عَلَى صِيَامِهِ. «هر که غیبت کند مسلمانی را در ماه رمضان مزد داده نشود بروزه خود.» (جامع الأخبار (لشعیری)، ص: ۱۴۶)

^{۴۶} عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ مَشَى فِي غَيْبَةِ أَخِيهِ وَ كَشَفَ عَوْرَتَهُ كَانَتْ أَوَّلَ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا وَضَعَهَا فِي جَهَنَّمَ وَ كَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ وَ مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا بَطَلَ صَوْمُهُ وَ نَقِضَ وَصُوءُهُ فَإِنْ مَاتَ وَ هُوَ كَذَلِكَ مَاتَ وَ هُوَ مُسْتَحِلٌّ لِمَا حَرَّمَ اللَّهُ. «کسی که در طریق غیبت برادر مسلمانش و کشف عیوب پنهانی او گام بردارد، اولین گامی را که برمی دارد در جهنم می گذارد! و خداوند پنهانی های او را جلوی چشم مردمان آشکار می کند. و هر کس غیبت مسلمانی را بکند روزه اش باطل می شود و وضویش بهم می خورد لذا اگر با همین حالت (بدون توبه) بمیرد مرده است در حالی که حلال خداوند را حلال شمرده است!» (کشف الريبية، ص: ۹)

^{۴۷} قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْغَيْبَةُ تَفْطَرُ الصَّائِمَ وَ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ. «غیبت موجب افطار روزه دار می شود و بر او قضا واجب است.» (النوادر (للأشعري)، ص: ۲۳)

^{۴۸} عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْهُ عَيْنَاهُ وَ سَمِعَتْهُ أُذُنَاهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الَّذِينَ يَجِبُونَ أَنْ تَشِيْعَ الْأَفْحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (النور: ۱۹). «هر که در باره مؤمنی بگوید آنچه دو چشمش دیده و دو گوشش شنیده پس او از کسانی است که خدای عز و جل در باره آنها فرموده: "همانا آنان که دوست دارند فراوان (یا فاش) شود فحشاء در باره آنان که ایمان آورده اند، ایشان را است عذابی دردناک."» (الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۵۷)

^{۴۹} عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رَوَايَةً يَرِيدُ بِهَا شَيْئَهُ وَ هَدَمَ مَرْوَعَتَهُ لَيْسَقَطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَرْجَاهُ اللَّهُ مِنْ وَايَاتِهِ إِلَى وَايَاتِهِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ. مفضل بن عمر گوید: حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود: «هر که بر ضرر مؤمن

۵) مجلس لعن (و غیبت) دیگران، فرشتگان را فراری می دهد.^{۵۲}
 سوء ظن سبب تجسس و عیب جویی می شود، و عیب جویی، عیب جویی را بدنبال دارد.^{۵۳}
 برای علاج گناه غیبت در گام اول باید در پی تحقیق نسبت به سوء ظنی که بوجود آمده است نبود.^{۵۴} بلکه بر عکس شایسته است که بدگمانی را با توجیهاتی برای خود پاسخ گفت.^{۵۵}

شنیدن غیبت

گوش سپردن به سخنان غیبت کننده^{۵۶} حتی سکوت در مقابل او انسان را شریک در غیبت می کند.^{۵۷} و حتی ممکن است هفتاد برابر گناه غیبت کننده را برایش بنویسند.^{۵۸} و بدتر این که احتمال دارد (در صورت که عمل غیبت را حلال بشمارد) گناهی در حد شرک برایش ثبت شود.^{۵۹}
 وقتی به غیبت کننده اجازه داده شود که از دیگران نزد ما بگوید، از ما هم نزد دیگران خواهد گفت.^{۶۰}
 وظیفه مسلمان هنگام شنیده غیبت این است که:
 (۱) از عمل غیبت کننده ناراضی باشد.^{۶۱}

داستانی بگوید و قصدش عیب او و ریختن آبرویش باشد که از چشم مردم بیفتد خداوند او را از دوستی خود بدوستی شیطان براند و شیطان هم او را نپذیرند.» (الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۵۸)

علامه مجلسی: مقصود بیرون نمودن اوست از سرپرستی خدا و از جمع دوستانش و بشمار آوردن او در احزاب شیطان و او هم قبولش نکند بلکه از او بیزار باشد چنانچه در قرآن مجید فرموده: «نمونه او نمونه شیطانست که بآدمی گوید کافر شود چون کافر شود گوید: من از تو بیزارم.» و بسا که نپذیرفتن شیطان کنایه است از راضی نبودن او بکار خلافتش بلکه او میخواهد کافرش کند و او را مستحق خلود در دوزخ سازد. (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۲، ص: ۱۶۸)

^{۵۰} قال علی علیه السلام إِيَّاكَ وَالْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا تُمَقِّتُكَ إِلَى اللَّهِ وَالنَّاسِ وَتُحْبِطُ أَجْرَكَ. «از غیبت کردن پرهیز کن زیرا این کار سبب خشم خداوند و مردم می شود و اجرت را از بین می برد.» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)
^{۵۱} قال علی علیه السلام الْهَمَّازُ مَذْمُومٌ مَجْرُوحٌ. «بدگوی غیبت کننده مورد مذمت و طعن دیگران است.» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)

^{۵۲} قال الصادق علیه السلام إِيَّاكُمْ وَمَجَالِسَةَ اللَّعَّانِ؛ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَنْفِرُ عِنْدَ اللَّعَّانِ. «از مجالسی که در آن افراد مورد نفرین قرار می گیرند پرهیز کنید، همانا ملائکه هنگام نفرین کردن می گریزند.» (الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث)، ص: ۲۰۹)

^{۵۳} قال الله عزوجل: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أ يُحِبُّ أَخَذَكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ. «ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها پرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است!» (حجرات: ۱۲)
^{۵۴} قال صلى الله عليه وآله وسلم ثَلَاثٌ لَا يَنْجُو مِنْهُنَّ أَحَدٌ الظَّنَّ وَ الطَّيْبَةَ وَ الْحَسَدَ وَ سَأَحَدْتُكُمْ بِالْمَخْرَجِ مِنْ ذَلِكَ إِذَا ظَنَنْتَ فَلَا تَحَقَّقْ وَ إِذَا تَطَيَّرْتَ فَاْمُضْ وَ إِذَا حَسَدْتَ فَلَا تَبِعْ وَ فِي رَوَايَةٍ أُخْرَى وَ قُلْ مَنْ يَنْجُو مِنْهُنَّ. «سه چیز است که هیچ کس از آنها خلاصی ندارد: بدگمانی، فال بد زدن و حسد، و من راه خلاصی از آنها را به شما بازگو می کنم: هر گاه گمانی برده، دنبال نگیری، و هر گاه فال بد زدی، آن را باور نکن، و هر گاه به کسی حسد ورزیدی، پس به حد ستم مرساں.» و در روایت دیگری است که فرمود: «کسانی که از این سه نجات یابند اندکند.» (مجموعه ورام، ج ۱، ص: ۱۲۷)

^{۵۵} قال أمير المؤمنين عليه السلام في كلام له ضع أمر أخيك على أحسنه حتى يأتيك ما يغلبك منه و لا تظنن بكلمة خرجت من أخيك سوءاً و أنت تجد لها في الخير محملاً. «هر کار (ی که از) برادر دینی خود (سرزند آن) را بهترین وجه آن حمل کن، تا کاری کند که راه توجیه را بر تو ببندد، و هیچ گاه بسخنی که از (دهان) برادرت بیرون آید گمان بد مبر، در صورتی که برای آن سخن محمل خوبی می یابی.» (الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۶۲)

^{۵۶} قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم المُسْتَمِعُ أَحَدَ الْمُعْتَابِينَ. «شنونده غیبت، یکی از دو نفر غیبت کننده است.» (مجموعه ورام، ج ۱، ص: ۱۱۹)

^{۵۷} قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم السَّاكِتُ شَرِيكُ الْمُعْتَابِ. «شخص ساکت نیز شریک غیبت کننده است.» (مجموعه ورام، ج ۱، ص: ۱۱۹)

^{۵۸} قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم مَنْ تَطَوَّلَ عَلَى أَخِيهِ فِي غَيْبَةٍ سَمِعَهَا فِيهِ فِي مَجْلِسٍ فَرَدَّهَا عَنْهُ رَدَّ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الشَّرِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَإِنْ هُوَ لَمْ يَرُدَّهَا وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى رَدِّهَا كَانَ عَلَيْهِ كَوْرٌ مِّنْ اغْتَابَةِ سَبْعِينَ مَرَّةً. «هلا هر که در مجلسی غیبت برادر خود شنود و از او دفاع کند خدا هزار باب بدی در دنیا و آخرت از او می گرداند و اگر با قدرت دفاع نکند شریک غیبت کننده باشد هفتاد بار.» (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۱۵)

^{۵۹} فِي كِتَابِ الرُّؤْيَةِ، عَلَى مَا فِي مَجْمُوعَةِ الشَّهِيدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: الْغَيْبَةُ كُفْرٌ وَ الرَّاظِي بِهَا مُشْرِكٌ. «غیبت نمودن کفر است و شنونده آن و راضی به آن مشرک است.» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص: ۱۳۳)

^{۶۰} قال علی علیه السلام مَنْ نَقَلَ إِلَيْكَ نَقْلَ غَنَكِ. «هر کس که نزد تو نقل کند، از تو هم نقل می کند.» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)

- ۲) ناخرسندی خودش را از غیبت اظهار کند.^{۶۲}
- ۳) از آبروی برادر ایمانی خود دفاع کند، که خداوند او را از دوزخ نجات خواهد داد^{۶۳} و این باعث بسته شدن هزار باب شر بر روی او می شود.^{۶۴}
- ۴) هیچ کاری را نباید در راستای غیبتی که شنیده است به نفع اهداف غیبت کننده انجام داد.^{۶۵}
- ۵) باید جلوی مسموم شدن ذهن را نسبت به مؤمنی که مورد اعتماد بوده است گرفت. زیرا بین حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست. باطل این است شنیده شود، و حق آن است که (آنچه شنیده شده است) دیده شود.^{۶۶}

غیبت شونده

شایسته است غیبت شونده از گناه غیبت کننده بگذرد؛^{۶۷} تا خداوند پاداش خاصی را برایش روز قیامت در نظر بگیرد.^{۶۸} زیرا گذشتن از آبرو، صدقه ای است که فرد در راه خداوند پرداخت می کند.^{۶۹}

توبه از غیبت

توبه نکردن از غیبت، حلال شمردن حرام خداوند^{۷۰} و موجب طرد او از رحمت الهی است.^{۷۱}

۶۱ فی کتاب الرّوضة، علی ما فی مجموعه الشّهدید عن ابي عبد الله علیه السلام أنّه قال: الغيبة کفرٌ و المستمع لها و الرّاضی بها مشرک. «غیبت نمودن کفر است و شنونده آن و راضی به آن مشرک است.» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص: ۱۳۳)

۶۲ القُطبُ الرّاوندی فی لبّ اللّباب، عن النّبی صلی الله علیه وآله وسلم أنّه قال: من سمع الغيبة و لم یغیّر کان کمن اغتاب. «کسی که غیبت را بشنود و تغییر ندهد (بر هم نزند مجلس غیبت را) مثل کسی است که غیبت نموده است.» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص: ۱۳۳)

۶۳ قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم من ردّ عن عرض أخیه بالغيبة کان حقاً علی الله أن یُعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ. «هر کس از آبروی برادرش بهنگام غیبت او، دفاع کند، حق است بر خدا که او را از آتش دوزخ آزاد کند.» (مجموعه ورام، ج ۱، ص: ۱۱۹)

۶۴ قال النّبی صلی الله علیه وآله وسلم من ردّ عن أخیه غيبة سمعها فی مجلسی، غیبتی را که در مورد برادر ایمانیش شنیده است، رد کرده و از او دفاع کند، خداوند هزار درب (از دربهایی) شر و شرارت را- در دنیا و آخرت- بر روی او ببندد؛ ولی اگر چنین نکند و از غیبت برادر ایمانی خود لذت برد، همان گناهی که در مورد غیبت کننده مقرر است برای او نیز خواهد بود.» (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص: ۲۸۴)

۶۵ قال الله عزوجل: و لا تطع کلّ حلافٍ مهینٍ همّازٍ مشاءٍ بنمیمٍ. مناعٍ لّخیرٍ معتدٍ اُتیمٍ عتَلٍ بعدَ ذلکَ زَنیمٍ. «و از هر قسم خورنده فرومایه ای فرمان مبر: [که] عیبجوست و برای خبرچینی گام برمی دارد، مانع خیر، متجاوز، گناه پیشه، گستاخ، [و] گذشته از آن زنازاده است.» (قلم: ۱۰ - ۱۳)

۶۶ قال علی علیه السلام اُیّها النّاسُ من عرف من أخیه وثيقة دین و سداد طریق فلّا یسمعن فیهِ أقاویل الرّجالِ أما إنّه قد یرمی الرّامی و تُخطئ السّهامُ و یحیل الکلامُ و باطل ذلکَ بیورُ و الله سمیعٌ و شهیدٌ أما إنّه لیسَ بینَ الحقیّ و الباطلِ إلّا أربعُ أصابعٍ. فسئل علیه السلام عن معنی قوله هذا فجمع أصابعه و وضعها بین آذنه و عینه ثم قال الباطلُ أن تقول سمعتُ و الحقُّ أن تقول رأیت. «ای مردم، آن کس که از برادرش استواری در دین و درستی راه را می داند نباید گفتار بیهوده مردم را در حق او بشنود. بدانید که تیرانداز گاهی تیر می اندازد و تیرش به خطا می رود، سخن هم (هر چه باشد) اثر می گذارد ولی نادرست آن از بین می رود، و خداوند شنوا و شاهد است. آگاه باشید که بین حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست.» توضیح این سخن را از امام خواستند، حضرت انگشتان دست را به هم چسباند و بین گوش و چشم قرار داد، سپس فرمود: «باطل آن است که بگویی شنیدم، و حق آن است که بگویی دیدم.» (نهج البلاغه؛ الخطبة: ۱۴۱)

۶۷ قال الله تعالی خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجاهلین (الأعراف: ۱۹۹) فقال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم یا جبرئیل ما هذا العفو قال إن الله یأمرك أن تغفوَ عمن ظلمک و تصل من قطعک و تُعطی من حرّمک. خداوند متعال فرموده است: «راه عفو را پیش گیر و به نیکی امر کن و از نادانان روی بگردان! «رسول خدا به جبرئیل فرمود: «ای جبرئیل منظور از این عفو چیست؟» جبرئیل گفت: «همانا خداوند متعال به تو فرمان می دهد اینکه از کسی که به تو ظلم کرده است درگذری و با کسی که رابطه اش را با تو قطع کرده است رابطه برقرار کنی و عطای خود را شامل کسانی بگردانی که تو را محروم ساخته اند.» (کشف الريبه، ص: ۷۳)

۶۸ روى إذا جرى بالأمم بين يدي الله تعالى يوم القيامة نودوا ليقيم من كان أجره على الله فلما يقوم إلّا من عفا في الدنيا. «هنگامی که در روز قیامت امت ها در مقابل (قدرت) خداوند زانو زدند ندا بر می آید کسی که پاداشش بر عهده خداوند است برخیزد پس کسی نمی ایستند مگر کسی که در دنیا از ظلم هایی که به او شده است در گذشته است.» (کشف الريبه، ص: ۷۳)

۶۹ روى عن النّبی صلی الله علیه وآله وسلم أ یعجز أحدکم أن یكون کأبی ضمضم کان إذا خرج من بیته قال اللهم إنی تصدقت بعرضی علی النّاس. «آیا شما نمی توانید مانند ابی ضمضم باشید، زمانی که از خانه اش بیرون می آمد می گفت: "خداوند آبرویم را به مردم صدقه دادم."» (کشف الريبه، ص: ۷۴)

۷۰ عن النّبی صلی الله علیه وآله وسلم من مشی فی غیبة أخیه و کشف عورته کانت أول خطوة خطاها وضعها فی جهنم و کشف الله عورته علی رؤوس الخلائق و من اغتاب مسلماً بطل صومه و نقض وضوؤه فإن مات و هو مستحلّ لما حرّم الله. «کسی که در طریق غیبت برادر مسلمانش و کشف عیوب پنهانی او گام بردارد، اولین گامی را که برمی دارد در جهنم می گذارد! و خداوند پنهانی های او را جلوی چشم

برای توبه از غیبت ابتداء باید از لغزشی که انجام شده است پشیمان بود و بعد تصمیم گرفت که دیگر زبان به غیبت نگوید^{۷۲} و در مرحله سوم اگر خبر غیبت، به فرد غیبت شونده رسیده باشد باید از او حلال بودی طلبید و اگر به او نرسیده باشد، باید برای او استغفار کرد.^{۷۳} و این استغفار هر زمان که بیاد کار زشتش بیافتد باید تجدید گردد.^{۷۴} وقتی حلالیت می طلب از او بخواهد که برایش طلب مغفرت کند تا مانعی که برای قبولی اعمالش ایجاد شده است از بین برود.^{۷۵} بدون این حلالیت هرچه استغفار کند از کرده خودش پشیمان باشد سودی به حال او ندارد.^{۷۶}

حلالیت طلبی و قبول این حلالیت از طرف غیبت شونده و نیز استغفار مدام بر گناهی که شاید سالها از آن گذشته باشد، توبه از غیبت را سخت می کند لذا غیبت گناهی بزرگتر از زنا است.^{۷۷}

و تازه اگر توبه اش پذیرفته شود آخرین نفر خواهد بود که به بهشت می رود و اگر هم توبه اش قبول نشود، اولین نفر خواهد بود که به دوزخ می رود.^{۷۸}

لذا بایسته است وقتی عیبی از کسی دیده شد، پوشانده شود و برای آن شخص، طلب آمرزش شود^{۷۹} و اینگونه جلوی غیبت گرفته شود:

مردمان آشکار می کند. و هر کس غیبت مسلمانی را بکند روزه اش باطل می شود و وضویش بهم می خورد لذا اگر با همین حالت (بدون توبه) بمیرد مرده است در حالی که حلال خداوند را حلال شمرده است!« (کشف الریبه، ص: ۹)

^{۷۱} قال الأمام الكاظم عليه السلام مَلْعُونٌ مَنْ اغْتَابَ أَحَاهُ. «ملعون است کسی که برادرش را غیبت نماید.» (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص: ۱۲۵)

^{۷۲} عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِقَائِلِ بَحْضَرْتِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ تَكَلُّتَكَ أُمَّكَ أ تَدْرِي مَا اسْتَغْفَارُ إِنَّ اسْتَغْفَارَ دَرَجَةَ الْعَلِيِّينَ وَ هُوَ اسْمٌ وَأَقْبَعُ عَلَى سِتَّةٍ مَعَانَ أَوْلَاهَا النَّدَمُ عَلَى مَا مَضَى وَ الثَّانِي الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعَوْدِ إِلَيْهِ أِبْدًا وَ الثَّلَاثُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حَقُوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمْلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعَةٌ وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ صَيِّغَتَهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا وَ الْخَامِسُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ مِنَ السَّحْتِ فَتُذَيِّبَهُ بِالْأَخْزَانِ حَتَّى يَلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَ يَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ وَ السَّادِسُ أَنْ تُذَيِّقَ الْجِسْمَ أَلْمَ الطَّاعَةَ كَمَا أَدَقَّتْهُ حَلَاوَةُ الْمَعْصِيَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ. شخصی در محضر حضرت علی علیه السلام گفت: "استغفر الله" حضرت فرمود: «مادرت بر تو سوگ کند، میدانی استغفار چیست؟ استغفار درجه علیین است، و اسم است برای شش چیز: اول: پشیمانی بر گذشته، دوم تصمیم بر عدم بازگشت به گناه در آینده، سوم حقوق مردم را اداء کنی بطوری که با حالتی پاک و بی آنکه حقی بگردند باشد خدا را ملاقات کنی، و چهارم هر فریضه ای را که از تو فوت شده قضاء کنی، پنجم گوشتهائی که از گناه و در حال گناه بر تن تو روئیده با حزن و اندوه آب کنی تا پوستت با استخوان بچسبد و گوشت تازه ای برآید، ششم ببدن خود رنج طاعت را بچشانی چنان که شیرینی گناه را چشانده ای، بعد از این کارها بگو "استغفر الله"». (مکارم الأخلاق، ص: ۳۱۴)

^{۷۳} قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ . . . وَ إِنْ اغْتَبْتُ فَبَلِّغِ الْمُغْتَابَ فَاسْتَجِلْ مِنْهُ فَإِنْ لَمْ تَبْلُغْهُ وَ لَمْ تَلْحَقْهُ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ لَهُ. در صورتی که مرتکب غیبت شدی و گفتار غایبانه تو به گوش طرف رسید، لازم است از او حلالیت بطلبی، و اگر از گفته تو آگاه نشد، برای او طلب مغفرت و آمرزش کن. (مصباح الشریعة، ص: ۲۰۴)

^{۷۴} عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا كَفَّارَةُ الْإِغْتِيَابِ قَالَ تَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِمَنْ اغْتَبْتَهُ كُلَّمَا ذَكَرْتَهُ. از رسول خدا پرسیدند:

«کفارہ غیبت چیست؟» فرمود: «از خداوند طلب آمرزش کنی برای آنکه غیبتش کردی هر زمان بیادش افتادی.» (الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۵۷)

^{۷۵} قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاتَهُ وَ لَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا أَنْ يُعْفَرَ لَهُ صَاحِبُهُ. «هر که غیبت کند مرد مسلمانی را یا زن مسلمانی را قبول نکند خدای تعالی نماز او را و روزه او را و چهار روز و شب مگر آنکه حلال کند او را صاحب آن غیبت.» (جامع الأخبار (للشعیری)، ص: ۱۴۶)

^{۷۶} عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلَى الْمُنْبَرِ وَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِحَسَنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْكُفَّ عَنْ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِ وَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُؤْمِنًا بَعْدَ تَوْبَتِهِ وَ اسْتَغْفَارِهِ لَهُ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اغْتِيَابِهِ لِلْمُؤْمِنِينَ. «قسم به آن خدایی که جز او شایسته پرستش نیست هرگز به مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشده، جز برای خوشبینی بخدای عز و جل و خودداری از غیبت مؤمنین و قسم به آن خدایی که جز او شایسته پرستش نیست خدای عز و جل مؤمنی را پس از توبه و استغفار عذاب نکند جز برای بدبینی به خداوند عز و جل و غیبت کردن او از مؤمنین.» (الإختصاص، ص: ۲۲۷)

^{۷۷} قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ وَ الْعِيْبَةَ فَإِنَّ الْعِيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزَّانِ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِمَ ذَاكَ يَا أَبَا أَنْتَ وَ أُمِّي قَالَ لِأَنَّ الرَّجُلَ يَزْنِي وَ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ وَ الْعِيْبَةُ لَا تُغْفَرُ حَتَّى يُغْفَرَ صَاحِبُهَا. ابودری گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «ای ابا ذر بپرهیز از غیبت زیرا که غیبت سخت تر از زناست.» عرض کردم: «ای رسول خدا چرا این طور است پدر و مادرم قربانت!» فرمود: «زیرا که مرد زنا میکند و توبه می نماید خدا توبه اش را می پذیرد و غیبت کننده آمرزیده نمی شود تا زمانی که صاحبش از او بگذرد.» (مجموعه ورام، ج ۲، ص: ۶۴)

^{۷۸} عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَنَّ الْمُغْتَابَ إِذَا تَابَ فَهُوَ آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَ إِنْ لَمْ يَتُبْ فَهُوَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ. «خداوند به موسی بن عمران (علی نبینا و آله و علیه السلام) وحی کرد: «فرد غیبت کننده اگر توبه کند آخر کسی است که به بهشت داخل می شود و اگر توبه نکند اول کسی است که به دوزخ وارد می شود.» (کشف الریبه، ص: ۱۱)

- ۱) ترک گناه غیبت، ارزشی بالاتر از ده هزار رکعت نماز مستحبی دارد.^{۸۰}
 ۲) ترک غیبت از ارزشمندترین عطا‌های خداوند است که خیر دنیا و آخرت را با خود همراه دارد.^{۸۱}
 ۳) کسی که نیتش پرهیز از غیبت باشد در همان حال بمیرد، خداوند ضامن خواهد بود که او به بهشت داخل شود.^{۸۲}
 ۴) پرهیز از غیبت، بالاترین نوع پرهیزکاری است.^{۸۳}

موارد جواز غیبت

- غیبت سخنی یاهه است که بدترین نشان از روی گردانی غیبت کننده از حق دارد.^{۸۴} ولی با این حال مصالحی وجود دارد که بر مفسده غیبت ترجیح دارد. این مصالح عبارتند از:
- ۱) در دادگاه هر کس که حقی با اوست^{۸۵} و مورد ستم قرار گرفته است می تواند برای احقاق حق خود از کار بدی که ظالم در حق او نموده است بگوید.^{۸۶} مثل طلب کاری که، بدهکار طلب او را عمدا نمی دهد.^{۸۷}
- ۲) فاسقی که علنا گناه می کند^{۸۸} و از گناه شرمی ندارد، آبرویی خود را حراج گذاشته است پس حرمتی ندارد که غیبتش جائز نباشد.^{۸۹} خصوصاً گناهای مثل:
- آنها که براحتی و از سر شوخی و خنده، مادران (و نوامیس) خود به باد فحش و ناسزا می گیرند.^{۹۰}

^{۹۱} قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ اطَّلَعَ مِنْ مُؤْمِنٍ عَلَى ذَنْبٍ أَوْ سَيِّئَةٍ فَأَفْشَى ذَلِكَ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَكْتُمْهَا وَ لَمْ يَسْتَعْفِرِ اللَّهَ لَهُ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ كَعَامِلِهَا وَ عَلَيْهِ وَزْرٌ ذَلِكَ الَّذِي أَفْشَاهُ عَلَيْهِ وَ كَانَ مَغْفُوراً لِعَامِلِهَا وَ كَانَ عِقَابُهُ مَا أَفْشَى عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا مَسْتُورٌ عَلَيْهِ فِي الْآخِرَةِ ثُمَّ لَا يَجِدُ اللَّهَ أَكْرَمَ مِنْ أَنْ يُثَنِّيَ عَلَيْهِ عِقَاباً فِي الْآخِرَةِ. «هر کس از گناه یا کار بد مؤمنی آگاه شود و آن را به زیان او فاش کند و پنهانش ننماید و از خدا برایش آمرزش نخواهد، نزد خداوند همچون انجام دهنده آن است و گناه آن عملی که فاش کرده بر او است و انجام دهنده آن گناه، آمرزیده است چرا که عقاب او همان است که در دنیا کارش فاش شده است؛ و در آخرت پوشیده خواهد بود و دریابد که خداوند کریم تر از آن است که در آخرت عقاب دومی به او روا دارد.» (الإختصاص، ص: ۳۲)

^{۸۰} عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ [أَنَّهُ] قَالَ تَرَكَ الْغَيْبَةَ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافِ رَكْعَةٍ تَطَوُّعًا. «ترک نمودن غیبت نزد خداوند عزوجل از هزار رکعت نماز مستحبی محبوب تر است!» (الدعوات (للراوندی) / سلوة الحزین، ص: ۲۹۳)

^{۸۱} عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلَى الْمُنْبِرِ وَاللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أَعْطَى مُؤْمِنًا قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِحَسَنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِ وَاللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُؤْمِنًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الْاسْتِعْفَارِ لَهُ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ اغْتِيَابِهِ لِلْمُؤْمِنِينَ. «قسم به آن خدایی که جز او شایسته پرستش نیست هرگز به مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشده، جز برای خوشبینی بخدای عز و جل و خودداری از غیبت مؤمنین و قسم به آن خدایی که جز او شایسته پرستش نیست خدای عز و جل مؤمنی را پس از توبه و استغفار عذاب نکند جز برای بدبینی به خداوند عز و جل و غیبت کردن او از مؤمنین.» (الإختصاص، ص: ۲۲۷)

^{۸۲} قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خِصَالٌ سِتٌّ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فِي وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ إِلَّا كَانَ ضَامِنًا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ . . . وَ رَجُلٌ نِيَّتُهُ أَنْ لَا يَغْتَابَ مُسْلِمًا فَإِنْ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ كَانَ [ضَامِنًا] عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. «شش خصلت است که هیچ مسلمانی نیست که اگر در حالی که دارنده یکی از آنها باشد بمیرد بر خداوند پیمان دارد که او را داخل بهشت کند، ... و مردی که قصدش این باشد که از هیچ مسلمانی غیبت نکند، پس اگر بر این قصد بمیرد آن ضمانت را از سوی خداوند خواهد داشت.» (الدعوات (للراوندی) / سلوة الحزین، ص: ۲۲۷)

^{۸۳} عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِحُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ يَا حُمْرَانُ . . . وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ الْكَفِّ عَنِ أَدَى الْمُؤْمِنِينَ وَ اغْتِيَابِهِمْ. «بدان هیچ تقوایی سودمندتر از دوری کردن از حرام های خداوند و خودداری از اذیت مؤمنان و خودداری از غیبت کردن آنها نیست.» (الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص: ۲۴۴)

^{۸۴} قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْغَيْبَةُ شَرُّ الْأَفْكَ. «غیبت بدترین بهتان و سخن باطل است.» (تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱)

^{۸۵} قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالَ. «کسی که (در دعاوی) حق با اوست می تواند برای اثبات آن سخن بگوید.» (کشف الريبه، ص: ۳۳)

^{۸۶} قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَا يَجِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا. «خداوند، بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد، مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد، و خدا شنوای داناست.» (نساء: ۱۴۸)

^{۸۷} قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِيِ الْوَالِدِ يَجِلُّ عَقُوبَتُهُ وَ عِرْضُهُ. «مکت نمودن کسی مال دارد (و بدهی اش را نمی دهد) رواست مجازاتش و آبرویش» (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۹، ص: ۷۰)

^{۸۸} عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا جَاهَرَ الْفَاسِقُ بِفِسْقِهِ فَلَا حُرْمَةَ لَهُ وَ لَا غَيْبَةَ. «چون فاسق فسق خود را آشکار کرد غیبت ندارد.» (الأمالی (للصدوق)، ص: ۳۹)

^{۸۹} قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ ألقى جِلْبَابَ الْحِيَاءِ عَنْ وَجْهِهِ فَلَا غَيْبَةَ لَهُ. «کسی که بیافکند پرده شرم را از صورتش، پس غیبتی برای او نیست.» (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۹، ص: ۷۰)

^{۹۰} قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَرْبَعَةٌ لَيْسَ غَيْبَتُهُمْ غَيْبَةُ الْفَاسِقِ الْمُعْلِنِ بِفِسْقِهِ وَ الْإِمَامِ الْكُدَّابِ إِنْ أَحْسَنْتَ لَهُمْ يَشْكُرُ وَ إِنْ أَسَأْتَ لَهُمْ يَغْفِرُ وَ الْمُتَّفَكِّهُونَ بِالْأَمْهَاتِ وَ الْخَارِجُ مِنَ الْجَمَاعَةِ الطَّاعِنِ عَلَى أُمَّتِي الشَّاهِرِ عَلَيْهَا بِسَيِّئِهِ. «چهار دسته‌اند که غیبت آنان گناه نمی‌باشد: کسی که فاسق است و آشکارا مرتکب اعمال حرام می‌شود، پیشوایی که دروغ می‌گوید و اگر کار نیکی برایش انجام دهی سپاس می‌دارد و اگر مرتکب

- در گفتگوی با مردم دروغ می گویند و به وعده های خود عمل نمی کنند.^{۹۱}
 - آنها که شراب می نوشند.^{۹۲}
 - آنها که قمار می کنند.^{۹۳}
- ۳) غیبت فاجری که برای این که مردم از او برحذر باشند چاره ای جز بازگو نمودن زشتکاریهایش نباشد.^{۹۴}
- و از همین مورد است آنچه راوی شناسان در کتب رجالی انجام می دهند. آنها تلاش می کنند تا راویان حدیث را مورد بررسی اعتقادی و رفتاری قرار دهند و منحرفین و غیر موثقین را از دیگر راویان جدا سازند.
- ۴) مشاوره دادن برای ازدواج اگر با گفتن عیوب خواستگار همراه باشد اشکالی ندارد بلکه واجب است.^{۹۵}
- ۵) بدعتگذار را باید با غیبت رسوا نمود.^{۹۶} و حتی کار نکرده را اگر به او نسبت دهید جائز است (زیرا بدعت او زشت تر از هر کاری است)^{۹۷}
- ۶) آبروی سلطان ستمگر را باید برد.^{۹۸} ستمگری که خوبیهای دیگران را سپاس نمی گوید و از لغزشهای آنها نمی گذرد.^{۹۹}
- ۷) میزبانی که حق میهمان را بدرستی اداء نموده است، این حق برای میهمان محفوظ است که این کوتاهی را به اطلاع دیگران برساند.^{۱۰۰}
- ۸) گفتگوی مخفیانه ای که برای عملی جنایتکارانه صورت گرفته است باید خبرش را منتشر نمود عملی مثل ریختن خونی حرام، و یا برنامه ریزی برای زنا و یا خوردن مالی حرام.^{۱۰۱}

بدی شدی عفو و گذشت ندارد. کسانی که با ناسزا به مادران خویش تفریح می کنند، و کسی که از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد و امت را سرزنش کند، و با شمشیر آخته علیه امت قیام کند.» (النوادر (لراوندی)، ص: ۱۸)

۹۱ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمِهِمْ وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ كَانَ مِمَّنْ حُرِّمَتْ غَيْبَتُهُ وَ كَمَلَتْ مَرْوَتُهُ وَ ظَهَرَ عَدْلُهُ وَ وَجَّهَتْ أَوْثَانُهُ. «هر کس در معامله با مردم ستم بر آنان روا ندارد و در گفتارش با آنان دروغ نگوید و در وعده که بدهد مخالفت نکند از جوانمردان کامل است و عدالتش ظاهر و برادری با او بر دیگران واجب و بدگویی در باره وی حرام است.» (الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۲۳۹)

۹۲ فقه الرضا علیه السلام لَا غَيْبَةَ لِلْفَاجِرِ وَ شَارِبِ الْخَمْرِ وَ اللَّاعِبِ بِالشُّطْرُنِجِ وَ الْقَمَارِ. «از غیبت مؤمن بپرهیزید و از سخن چینی بر حذر باشید چرا که این دو ارزش روزه را از بین می برند، (البته) برای انسان فاجر و میگسار و شطرنج باز و قمار باز غیبت معنی ندارد.» (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص: ۲۰۶)

همان. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص: ۲۰۶

۹۴ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أ تَرَعُونَ عَنْ ذِكْرِ الْفَاجِرِ حَتَّى يَعْرِفَهُ النَّاسُ اذْكُرُوهُ بِمَا فِيهِ يَحْذَرُهُ النَّاسُ. «آیا می ترسید از یاد نمودن گنهکار تا این که مردم او را بشناسند؟ او را یاد کنید نسبت به آنچه در اوست تا مردم برحذر از او باشند.» (کشف الريبه، ص: ۳۵)

۹۵ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِغُلَامَةٍ بِنْتِ قَيْسِ حِينَ شَاوَرْتَهُ فِي خُطَابِهَا أَمَا مَعَاوِيَةُ فَرَجُلٌ صُعْلُوكٌ لَا مَالَ لَهُ وَ أَمَا أَبُو جَهْمٍ فَلَا يَضَعُ الْعَصَا عَنْ غَاتِقِهِ. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به فطمه دختر قیس وقتی با ایشان در باره خواستگاران مشورت نمود فرمود: «اما معاویه پس مردی است فقیر که مالی ندارد و اما ابوجهم عصا را از گردنش (بر زمین) نمی گذارد. (زنان را مدام می زند. یا زیاد سفر میکند)» (کشف الريبه، ص: ۳۵)

۹۶ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لَهُمْ حُرْمَةٌ صَاحِبُ هَوَى مُتَبَدِّعٌ وَ الْإِمَامُ الْجَائِرُ وَ الْفَاسِقُ الْمُغْلِبُ بِالْفِسْقِ. «سه کس را احترامی نیست: هوا پرست بدعتگذار، حاکم ستمکار، و فاسقی که آشکارا به فسق می پردازد.» (قرب الإسناد (ط - الحديثه)، متن، ص: ۱۷۶)

۹۷ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّيْبِ وَ الْبِدْعِ مِنْ بَعْدِي فَاطَّهَرُوا الْبِرَاءَةَ مِنْهُمْ وَ أَكْثَرُوا مِنْ سَبِّهِمْ وَ الْقَوْلِ فِيهِمْ وَ الْوَقِيعَةِ وَ بَاهْتُوهُمْ كَيْلًا يَطْمَعُوا فِي الْفُسَادِ فِي الْإِسْلَامِ وَ يَحْذَرُهُمُ النَّاسُ وَ لَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ بَدْعِهِمْ يَكْتَسِبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ وَ يَرْفَعُ لَكُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ. «هر گاه پس از من اهل ریب و بدعت را دیدید بیزاری خود را از آنها آشکار کنید، و بسیار با آنها دشنام دهید، و در باره آنها بد گوئید، و آنها را با برهان و دلیل خفه کنید که (نتوانند در دل مردم القاء شبهه کنند و) نتوانند بفساد در اسلام طمع کنند، و در نتیجه مردم از آنها دوری کنند و بدعتهای آنها را یاد نگیرند، و خداوند در برابر این کار برای شما حسنات بنویسد و درجات شما را در آخرت بالا برد.» (الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۷۵)

۹۸ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لَهُمْ حُرْمَةٌ ... وَ الْإِمَامُ الْجَائِرُ ... «سه کس را احترامی نیست: ... حاکم ستمکار ...» (قرب الإسناد (ط - الحديثه)، متن، ص: ۱۷۶)

۹۹ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَرْبَعَةٌ لَيْسَ غَيْبَتُهُمْ غَيْبَةُ الْفَاسِقِ الْمُغْلِبِ بِفِسْقِهِ وَ الْإِمَامُ الْكَذَّابُ إِنْ أَحْسَنْتَ لَهُمْ يَشْكُرُ وَ إِنْ أَسَأْتَ لَهُمْ يَغْفِرُ وَ الْمُتَّفَكِّهُونَ بِالْأَمْهَاتِ وَ الْخَارِجُ مِنَ الْجَمَاعَةِ الطَّاعِنِ عَلَى أُمَّتِي الشَّاهِرِ عَلَيْهَا بِسَيِّئِهِ. «چهار دسته اند که غیبت آنان گناه نمی باشد: کسی که فاسق است و آشکارا مرتکب اعمال حرام می شود، پیشوایی که دروغ می گوید و اگر کار نیکی برایش انجام دهی سپاس می دارد و اگر مرتکب بدی شدی عفو و گذشت ندارد. کسانی که با ناسزا به مادران خویش تفریح می کنند، و کسی که از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد و امت را سرزنش کند، و با شمشیر آخته علیه امت قیام کند.» (النوادر (لراوندی)، ص: ۱۸)

۱۰۰ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ (النساء) قَالَ مَنْ أَضَافَ قَوْمًا فَأَسَاءَ ضِيَافَتَهُمْ فَهُوَ مِمَّنْ ظَلَمَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِيْمَا قَالُوا فِيهِ. امام صادق علیه السلام در باره فرموده خداوند: «خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیها (دیگران) را اظهار کند؛ مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد.» فرمود: «هر که مهمان کند مردمی را و درست پذیرائی نکند او از ستمکارانست و گناهی ندارند در آنچه در باره او گویند!» (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص: ۲۸۳)

- ۹) غیبت منافقانی که با عدم شرکت در اجتماعات مردم مثل نماز جمعه و جماعت تلاش در اخلاص در میان مسلمین را دارند جائز بلکه واجب است.^{۱۰۳} خصوصاً اگر اینان قصد مبارزه مسلحانه علیه مسلمین را داشته باشند.^{۱۰۳}
- ۱۰) برای پرسیدن حکم شرعی مسئله ای اگر چاره ای جز غیبت نباشد، اشکالی در عیب گویی نیست.^{۱۰۴} و^{۱۰۵}
- ۱۱) ممکن برای حفظ جان و مال و آبروی کسی لازم باشد از او غیبتی نمود همانطور که امام صادق علیه السلام از زراره بن اعین، یکی از اصحاب بزرگوار خود، بد گویی نمودند تا جانش را حفظ کنند و دشمن را به این تصور وادارند که او از اصحاب حضرت نیست.^{۱۰۶}
- ۱۲) اگر نهی از منکر و اصلاح فردی متوقف بر غیبت او باشد، غیبتش جائز می باشد.^{۱۰۷}

۱۰۱) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ إِلَّا ثَلَاثَةَ مَجَالِسٍ: مَجْلِسٌ سَفِكَ فِيهِ دَمَ حَرَامٍ، وَ مَجْلِسٌ اسْتُجِلَّ فِيهِ فَرْجٌ حَرَامٌ، وَ مَجْلِسٌ اسْتُجِلَّ فِيهِ مَالٌ حَرَامٌ بغيرِ حَقِّهِ. «مجالس حکم امانت دارند (نباید آنچه در آنها گذرد فاش کرد) مگر سه مجلس: آنکه خون ناحقی در آن ریخته شود، و آنکه فرج حرامی در آن حلال شمرده شود، و آنکه مال حرامی در آن خورده شود.» (الأمالی (للطوسی)، ص: ۵۳)

۱۰۲) مُحَمَّدٌ بْنُ مَكِّيٍّ الشَّهِيدُ فِي الذِّكْرِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ وَ لَا غَيْبَةً إِلَّا لِمَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ وَ رَغِبَ عَنْ جَمَاعَتِنَا وَ مَنْ رَغِبَ عَنْ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ سَقَطَتْ عَدَالَتُهُ وَ وَجِبَ هِجْرَانُهُ وَ إِنْ رُفِعَ إِلَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ أَنْدَرَهُ وَ حَذَرَهُ وَ مَنْ لَزِمَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ حَرَمَتْ عَلَيْهِمْ غَيْبَتُهُ وَ تَبَتَّ عَدَالَتُهُ. «نماز کسی که - جز به علتی - در مسجد با مسلمانان نماز نگذارد نماز نیست، و جز از کسی که در خانه خود نماز گزارد و از جماعت ما دامن فرو چیند، از کسی دیگر غیبت جایز نیست. و هر که از اجتماع مسلمانان دوری گزیند، عدالت او ساقط می شود و بریدن از او واجب است، و اگر خبر او به امام مسلمانان برسد، او را بیم می دهد و از این کار برحذر می دارد. و هر که ملازم اجتماع مسلمانان باشد، غیبت کردن از او حرام و عدالت او ثابت است.» (وسائل الشیعة، ج ۸، ص: ۳۱۷ به نقل از: الذکری - ۲۶۵)

۱۰۳) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَرْبَعَةٌ لَيْسَ غَيْبَتُهُمْ غَيْبَةٌ الْفَاسِقُ . . . وَ الْخَارِجُ مِنَ الْجَمَاعَةِ الطَّاعِنُ عَلَى أُمَّتِي الشَّاهِرُ عَلَيْهَا بَسِيْفُهُ. «چهار دسته اند که غیبت آنان گناه نمی باشد: کسی که فاسق است و آشکارا مرتکب اعمال حرام می شود، پیشوایی که دروغ می گوید و اگر کار نیکی برایش انجام دهی سیاس می دارد و اگر مرتکب بدی شدی عفو و گذشت ندارد. کسانی که با ناسزا به مادران خویش تفریح می کنند، و کسی که از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد و امت را سرزنش کند، و با شمشیر آخته علیه امت قیام کند.» (النوادر (لراوندی)، ص: ۱۸)

۱۰۴) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى: أَنَّهُ قَالَ لِهَيْدِ بِنْتِ عُتْبَةَ امْرَأَةِ أَبِي سَفْيَانَ حِينَ قَالَتْ إِنَّ أَبَا سَفْيَانَ رَجُلٌ شَحِيحٌ لَا يُعْطِينِي وَ وُلْدِي مَا يَكْفِينِي فَقَالَ لَهَا خُذِي لَبَّ وَ لَوْلَاكَ مَا يَكْفِيكَ بِالْمَعْرُوفِ. هند دختر عتبه، همسر ابوسفیان به پیامبر عرض کرد: «ابو سفیان مرد بخیلی است که به من و فرزندانم چیزی که کفایتمان کند نمی دهد.» حضرت فرمود: «(با اصرار) بگیر (از او) آنچه طبق عرف تو و فرزندان را کفایت کند!» (عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص: ۴۰۲)

۱۰۵) عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ إِنَّ أُمَّي لَا تَدْفَعُ يَدَ لَامِسٍ قَالَ فَاحْبِسْهَا قَالَ قَدْ فَعَلْتُ قَالَ فَاذْخُلْ عَلَيْهَا قَالَ قَدْ فَعَلْتُ قَالَ فَفَقِيدْهَا فَإِنَّكَ لَا تَبْرُهَا بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَنْ تَمْنَعَهَا مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. مردی نزد رسول خدا آمد و گفت: «مادرم هیچ کس را در کام گیری از خود محروم نمی کند» حضرت فرمود: «او را در خانه زندانی کن!» عرض کرد: «این کار را کرده ام ولی فائده نبخشیده است.» فرمود: «مگذار کسی نزد او برود!» گفت: «این کار را نیز کردم اثری نداشت.» فرمود: «او را در زنجیر کن که خدمتی نیکوتر از این در باره او از اینکه او را از حرامهای الهی بازدارد نخواهی کرد.» (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص: ۷۲)

۱۰۶) فی ترجمه زرارة بن أعین الكوفي أخو حمران: يترفض عن ابن السماك قال: حججت فلقيت زرارة بن أعين بالقادسية و قال: ان لي لك حاجة و عظمتها قلت: ما هي؟ فقال: اذا لقيت جعفر بن محمد فأقرئه مني السلام و سله أن يخبرني أنا من أهل النار أم من أهل الجنة؟ فأنكرت ذلك عليه فقال لي: انه يعلم ذلك و لم يزل بي حتى اجبته. فلما لقيت جعفر بن محمد اخذته بالذي كان منه فقال: هو من أهل النار، فوقع في نفسي مما قال جعفر فقلت: من أين علمت ذلك؟ فقال: من ادعى عليّ هذا فهو من أهل النار. فلما رجعت لقيت زرارة فأخبرته بأنه قال لي انه من أهل النار، فقال: كان لك من جراب النورة قلت: و ما جراب النورة؟ قال: عمل معك بالتقية و لم يذكر ابن أبي. سعيد بن منصور گفت: حدیث کرد برای ما ابن السماک که گفت: مرا به تو حاجتی است، و حاجتت را بزرگ توصیف نمود. گفتم: حاجت چیست؟ گفت: هر گاه جعفر بن محمد علیه السلام را دیدار کردی سلام مرا به او برسان و از او بخواه تا مرا خبر دهد که از اهل دوزخ یا که از اهل بهشتم؟ من این امر را بر او انکار کردم. زراره گفت: آن حضرت این را می داند. و همچنان بر حاجت خود پافشاری کرد تا او را اجابت کردم.

ابن السماک گوید: پس چون جعفر بن محمد علیه السلام را ملاقات کردم، حاجت زراره را مطرح نمودم. آن حضرت در جواب فرمود: زراره از اهل جهنم است. فرمایش حضرت بر من گران آمد، عرض کردم: از کجا دانستی که زراره جهنمی است؟ فرمود: هر کس درباره ی من دانش چنین چیزی را (چه کسی جهنمی و چه کسی بهشتی است) ادعا کند، از دوزخیان است. در مراجعت زراره به ملاقاتم آمد. و من به او گفتم که حضرت فرمود: زراره از اهل جهنم است. زراره گفت: حضرت با تو از در تقیه وارد شده است. (رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال (مع تعليقات مير داماد الأسترآبادی)، ج ۱، ص: ۳۸۲)